

جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۳، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۲۴۱-۱۲۲۶

چالش های حمایت از کودکان آسیب پذیر در نظام حقوق بین الملل از زمان تصویب کنوانسیون ملل متحد و راهکارهای حکومت اسلامی با آموزه های امام علی (ع)

محمد ترابی^{۱*}، سیدمحمد حسینی^۲، سیدمحمد رضوی^۳، صابرحیبی سوادکوهی^۴

۱- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، گروه حقوق، هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران

۲- استادیار، گروه حقوق، هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران

۳- استادیار، گروه حقوق، هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی، تهران

۴- استادیار، گروه حقوق، هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

چکیده

حقوق بشر منعکس کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه ای است که در آن، هر از سانی بتواند از زندگی شرافتمندانه، همراه با مساوات و کرامت بشری برخوردار گردد و در حکومت اسلامی - شیعی دارای مزشای آسمانی است که در عین حال با حقوق طبیعی و وجدان بشریت عجین می باشد. پیمان نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می کند. هدف از تدوین این مقاله تبیین حقوقی و ضرورت رسیدگی به نحوه حمایت از کودکان به عنوان اقشار آسیب پذیر جامعه و تطبیق آن با حقوق بین الملل و شرح چرایی و چگونگی حمایت از این گروه در بیانات امام علی (ع) می باشد. منابع این پژوهش کتابخانه ای و اسنادی است و به منابع دیجیتال و سایت های معتبر نیز مراجعه شد. برداشتهای مدرن از تربیت کودک و مرتبط با تکامل تدریجی فردی سازی در جوامع غربی، تأکید بر حقوق فردی کودکان با تلقی از کودکی به عنوان کودک مستقل، آنقدر که در ابتدا به نظر می رسد، راهگشا نیست. بنابراین، به نظر می رسد که تعریف فرزندپروری برحسب حقوق کودکان مبحثی بسیار گسترده است که تابع زمان و مکان و قواعد می باشد و همانطور که معصوم (ع) تربیت فرزند را در سه دوره تقسیم بندی نمودند، نشان از اهمیت حقوق کودکان دارد

کلیدواژه ها: حقوق کودکان آسیب پذیر، نظام حقوق بین الملل، کنوانسیون حمایت از کودکان، سازمان ملل متحد، حکومت اسلامی، آموزه های امام علی (ع)

حقوق بشر منعکس کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه ای است که در آن، هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه، همراه با مساوات و کرامت بشری برخوردار گردد. حقوق بشر مجموعه حقوق وضع شده که آغاز آن را بتوان به اعلامیه جهانی حقوق بشر یا انقلاب کبیر فرانسه دانست نیست بلکه باید قدمت آن را به درازای حیات بشر بدانیم. موضوع حقوق بشر «انسان» است و در جهان بینی اسلامی نیز انسان خلیفه خدا است که در سایه عقل و اراده و مسوولیت بر سایر مخلوقات برتری دارد. نزدیکی و قرابت آدمی به خداوند و اعتقاد به ارزش و کرامت والای انسان، به حقوق بشر در نظام اسلامی موقعیت ممتاز و برجسته بخشیده است. آن چه که به عنوان حقوق انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده به نحو کامل تری در نظام حقوقی اسلام مورد توجه قرار گرفته است (قریشی و همکاران، ۱۳۹۱). حقوق بشر در حکومت اسلامی - شیعی دارای منشای آسمانی است که در عین حال با حقوق طبیعی و وجدان بشریت عجین می باشد. نگاه حکومت شیعی با بهره گیری از شریعت اسلامی به آینده می نگرد ولی در عین حال از گذشته درس می گیرد. کتاب های آسمانی به ویژه قرآن کریم، منشور کوروش و نیز بیانات حضرت علی (ع)، در ابعاد مختلف به مفاهیم بنیادین حقوق بشر اشاره نمودند و در مدیریت خود به رعایت این اصول تاکید می ورزیدند (جعفری، ۱۳۹۴). نتایج بررسی ها بیانگر آن است که مکاتب غربی علی رغم اینکه به وضع و ترویج اصطلاح حقوق بشر پرداخته اند، مبتکر اصلی حقوق بشر نمی باشند. از این رو پیشینه حقوق بشر را می توان در ادیان الهی به ویژه در دین مبین اسلام جستجو نمود. متون اسلامی به روشنی حقوق انسان ها را در عرصه های مختلف مطرح نموده است. امام علی (ع) حدود چهارده قرن پیش در دوران حکومت کوتاه خویش به بیان اصول مبنایی حقوق بشر و حقوق خصوصی، عمومی، سیاسی و اجتماعی انسان پرداخته است. (سلطانمرادی و هایلی، ۱۳۹۰). به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران و اندیشمندان جهان، پس از پیامبر اکرم (ص)، علی (ع) به عنوان مظهر حقوق بشر در جهان اسلام در زمامداری دولت اسلامی خود، مفاهیم حقوق بشری را به طور شایسته های کاربردی نمود و از این طریق توانسته است رضایتمندی جامعه تكثرگرای نژادی، دینی، مذهبی، زبانی، زنگها و سرزمینی را به دست آورد (جعفری، ۱۳۹۴). در هر جامعه بشری تعدادی از افراد، بنا بر دلایل مختلفی هم آسیب پذیرند و هم مورد آسیب قرار می گیرند. آسیب ها در جوامع یکسان نیستند و بسته به بافت فرهنگی و حکومتی آن، متفاوتند. در بسیاری از مواقع، در جوامع ابتدایی نسبت به آسیب ها بی توجهی شده و گاه خیلی محدود از اقبال آسیب پذیر حمایت می شده است. با توجه به کمبودها و خلا موجود در جوامع بشری، تفکر یک هم اندیشی در جامعه جهانی جای خالی خود را نشان داد.

پیگیری مسائل حقوق بشر دلیل اصلی ایجاد سازمان ملل بود، اندیشه تاسیس سازمان ملل متحد در کنفرانس های مسکو، قاهره و تهران در سال ۱۹۴۳ میلادی جدی تر شد. از اوت تا اکتبر ۱۹۴۴ میلادی،

نمایندگان کشورهای آمریکا، شوروی، بریتانیا، فرانسه و جمهوری چین در کنفرانس دامبارتن اوکس^۱ در ایالت واشینگتن دی.سی، رویب برنامه های تشکیل سازمان ملل متحد مطالعه کردند. بیشتر مباحث این کنفرانس در مورد نقش اعضای سازمان و شرایط دعوت از آنها بود. سپس در آوریل ۱۹۴۵ در کنفرانس سان فرانسیسکو، تکلیف حق وتو برای پنج عضو شورای امنیت تعیین شد. سرانجام در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵، منشور ملل تکلیف حق وتو متحد به امضای ۵۰ کشور رسید و سازمان ملل متحد رسماً تشکیل شد، البته لهستان در کنفرانس حاضر نبود اما جایی برای آن در نظر گرفته شد و سپس منشور را امضا کرد (میراحسنی، ۱۳۸۸). در سال ۲۰۰۶ میلادی، ۱۹۲ کشور دنیا عضو سازمان ملل بوده‌اند که تقریباً شامل همه کشورهای جهان است. منشور ملل متحد تمام اعضای سازمان ملل را ملزم به احترام و رعایت حقوق بشر می‌نماید و همه را موظف می‌داند تا برای رسیدن به این هدف تلاش کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر فی نفسه الزام‌آور نیست و تنها یکی از مصوبات مجمع عمومی در سال ۱۹۴۸ بود که نقش یک استاندارد برای همگان را ایفا می‌کند. مجمع همواره مسایل حقوق بشر را دنبال می‌کنند. در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مجمع به اتفاق آراء رأی داد که شورای حقوق بشر سازمان را جایگزین کمیسیون حقوق بشر کند^۲. برنامه اعلامیه توسعه هزاره به عنوان نقطه نظرات سران ۱۴۷ و ۱۹۱ ملت جهان در بزرگترین گردهمایی، در اجلاس هزاره که از ۶ تا ۸ سپتامبر سال ۲۰۰۰ در نیویورک تشکیل شد، به تصویب رسید. دلیل اصلی تشکیل و اقدام برای این گردهمایی، حس جمعی برای احقاق برابری، عدالت، مساوات و ایجاد عزت و شرف انسانی در سطح جهان، توسط اعمال قدرت برای تأمین نیازهای واقعی مردم سراسر دنیا بود (پوراصغر سنگاچین، ۱۳۹۴). در واقع، اهداف توسعه هزاره هشت هدف مشترک اند که در سال ۲۰۰۰ میلادی در سازمان ملل در مورد آن توافق شد. بر این اساس، کشورهای عضو، متعهد شدند تا سال ۲۰۱۵ برای تحقق این اهداف فعالیت نمایند (میراحسنی، ۱۳۸۸). اهداف توسعه هزاره عبارتند از:

۱. ریشه کنی فقر و جلوه های حاد فقر و گرسنگی
۲. تامین آموزش ابتدائی در سطح جهانی
۳. برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان
۴. کاهش مرگ و میراطفال
۵. بهبود وضعیت مادران و رشد سلامت زایمان
۶. مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماریها
۷. حصول اطمینان از حفظ محیط زیست
۸. مشارکت جهانی برای توسعه

^۱ کنفرانس دامبارتن اوکس (یا گفتگوهای واشینگتن درباره سازمان صلح و امنیت بینالمللی) نام کنفرانسی است که در اوت ۱۹۴۴ در ملک دامبارتن اوکس در شهر واشینگتن برگزار شد. موضوع این کنفرانس امور مربوط به ایجاد سازمان ملل متحد بود در این کنفرانس آمریکا، شوروی، بریتانیا و جمهوری چین شرکت داشتند.

^۲ وبگاه پایگاه BBC.

حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی، متوجه حمایت از افراد بشر در مقابل رنج‌ها و مشقات ساخته دست انسان‌ها و موانع اجتناب‌ناپذیری است که با اعمال محرومیت، بهره‌کشی، اختناق، آزار، اذیت و همه‌اشکال سوء رفتار توسط گروه‌های سازمان‌یافته و قدرتمندی از انسان‌ها، به وجود آمده است (آقائی، ۱۳۷۶) تاریخ تحولات حقوق بشر را در دو خط موازی «اندیشه سیاسی انبیا»، برای رسیدن به جامعه الهی انسانی و «اندیشه بشری»، برای نیل به جامعه مدنی جستجو نمود. برخی از حقوق اسلامی که الهام بخش اعلامیه‌های حقوق بشر و یا اسناد مکمل حقوق بشری به طور صریح و یا تلویحی مطرح شده است عبارتند از: کرامت و شخصیت انسان، آزادی انسانها، برابری انسان‌ها، آزادی سیاسی و اجتماعی، آزادی مذهبی، عدم تبعیض مذهبی و جنسی، حقوق اقلیتها، حق مالکیت خصوصی (جعفری، ۱۳۹۴) اولین معاهداتی که به صورت جامع به حقوق گروه خاصی از افراد پرداخته، کنوانسیون حقوق کودک است (اسلامی، ۱۳۹۱). علیرغم اینکه کودکان، به عنوان انسانهایی زیر ۱۸ سال، از کلیه حقوق بشری که در سایر معاهدات بیان شده بهره‌مند هستند، بیان مجدد این حقوق با تاکید بر شرایط ویژه کودکان در یک سند جداگانه و جامع، گسترش مقررات بیشتر در خصوص کودکان را فراهم می‌کند. پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت‌های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود

پیشینه پژوهش

ضیافتی صباغ و همکارانش در سال ۱۳۹۴ در رساله دکتری در دانشگاه پیام نور مرکز (دانشکده علوم انسانی) به بررسی حقوقی نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در پرتو دکترین امنیت انسانی پرداخته و بیان داشته کاستی‌های موجود در عرصه‌های ملی و بین‌المللی و از رهگذر دقیق در مفاهیم امنیت انسانی، سازمان‌های غیردولتی، اقشار آسیب‌پذیر و در نهایت عملکرد سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در عرصه بین‌المللی، در پی آن است که ناتوانی یا عدم تمایل برخی دولت‌ها در تأمین امنیت انسانی (و در نتیجه سرایت مخاطرات ناشی از این ضعف عملکرد به سایر نقاط جهان) و قابلیت‌های سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی را تشریح کرده و اثبات می‌نماید که این سازمان‌ها، ضمن مشارکت در تکوین و اجرای آن دسته از قواعد بین‌المللی که بر تحقق امنیت انسانی موثرند، ایفاگر نقشی اساسی (هرچند کمکی، هشداردهنده و محرک) در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در پرتو دکترین امنیت بوده و به عنوان نمایندگان جامعه مدنی جهانی، هم‌اکنون به یکی از بازیگران بین‌المللی تبدیل شده‌اند. رساله‌ی پیش‌رو با این نتیجه‌گیری خاتمه می‌یابد که نقشی آفرینی این بازیگران جدید، نه تنها یکی از واقعیات عصر حاضر است، بلکه ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید.

نظرزاده و همکاران در سال ۱۳۹۲ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه الزهرا (س) (دانشکده ادبیات، زبانهای خارجی) در خصوص مدیریت اقشار آسیب‌پذیر اقتصادی در مدینه عصر نبوی مطالبی را به رشته تحریر در آورده است. وی تلاش کرده تا با استفاده از روش تلفیقی (کمی - کیفی) به مقایسه حجم تدابیر

مدیریتی پیامبراکرم(ص) در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پردازد. از دستاوردهای پژوهش ایشان می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- نتیجه اجرای تدابیر مدیریتی فرهنگی پیامبراکرم(ص) اعتلاء و ارتقاء سطح فکری جامعه برای بهبود اقشار آسیب پذیر اقتصادی بود. ۲- آن حضرت با ایجاد وحدت و انسجام اجتماعی در جامعه به حل مشکلات اقشار آسیب پذیر اقتصادی کمک نمودند. ۳- پیامبراکرم(ص) با حضور در عرصه های سیاسی حکومت به بهبود وضعیت اقشار آسیب پذیر اقتصادی یاری رساندند. ۴- آن حضرت با جهت دهی و تنظیم فعالیت های اقتصادی جامعه موجب تغییر و تحول در وضعیت زندگی اقشار آسیب پذیر اقتصادی شد.

اسلامی و همکارانش در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه پیام نور استان تهران (دانشکده علوم انسانی) به ضرورت حمایت از حقوق اقشار آسیب پذیر در پرتو حقوق بنیادین بشر پرداخته است. ایشان در پایان نامه خود بیان داشته زنان، کودکان، سالمندان و معلولین از جمله اقشار آسیب پذیر محسوب می شوند که برای تمتع و استیفای حقوق انسانی خویش به واسطه موقعیتشان و ناتوانی هایشان با مشکلات عمده ای مواجه هستند این گروه از افراد جز در سایه حمایت های خاص به نفع ایشان نمی توانند به حقوق واقعی خویش نائل گردند. این حمایت ها از سوی دولت ها در قالب کنوانسیون های مختلف که موضوع آنها اقشار خاص یا آسیب پذیر هستند مورد شناسایی قرار گرفته است. در این پژوهش این مسأله بیان می شود که علاوه بر حقوقی که در بند ۲ ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان حقوق بنیادین بشر در نظر گرفته شده است، حقوق نسل دوم یعنی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز برای اقشار آسیب پذیر بنیادین تلقی می گردند، لذا فراهم آوردن امکاناتی که گروه های نوعاً آسیب پذیر را در دستیابی به این حقوق بنیادین یاری دهد از سوی دولت ها ضروری خواهد بود.

فرشته کریمی و همکارانش در سال ۱۳۹۲ در پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه الزهراء(س) (دانشکده الهیات) با عنوان رفتار حمایتی از اقشار آسیب پذیر از منظر قرآن تنظیم نمود. وی بیان داشت حمایت فردی از قبیل پرداخت زکات، خمس، نفقه، کفاره، صدقه، قرض الحسنه، تقسیم ارث، وصیت، سرپرستی ایتم صورت می گیرد. حمایت های حکومتی نیز با اجرای عدالت اجتماعی در جامعه تحقق می یابد. حمایت عاطفی نیز با محبت و رزق، فروتنی و تقویت روحی اقشار آسیب پذیر می باشد. گرچه موانع درونی از قبیل دنیاطلبی، بخل، اسراف، راحت طلبی و موانع بیرونی مانند: انحراف از عدالت، سلطه جویی، تعصبات قومی، مانع اجرای این حمایت ها می شوند؛ اما اگر افراد به این امور مبادرت ورزند، به نتایج فردی و اجتماعی قابل توجهی دست خواهند یافت. تحکیم همبستگی جامعه، رفع فقر، تعاون اجتماعی، تقلیل مفسدات اجتماعی از پیامدهای اجتماعی این حمایت ها است و سعادت دنیوی، پاک شدن از رذیلت ها، محبوبیت نزد خداوند و افزایش آرامش روحی از پیامدهای فردی رفتار حمایتی می باشد.

روش^۱

منابع این پژوهش کتابخانه ای و اسنادی است. در صورت لزوم به منابع دیجیتال و سایت های معتبر نیز مراجعه خواهد شد. روش این پروژه روش توصیفی و تحلیلی است و برای انجام تحقیق بهره گیری می شود.

یافته ها

^۱. method

طفولیت از گذشته‌های بسیار دور، علتی برای رفع مسئولیت کیفری شناخته شده است هرچند این دوران بر اساس زمان و مکان متغیر بوده است (پوپل (۱۳۹۹، ۳۲۱)؛ در همین راستا کنوانسیون حقوق کودک در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ (سی روز پس از تصویب بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم‌الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا) این سند را تصویب کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند. ایالات متحده آمریکا تنها عضو سازمان ملل متحد است که آن را تصویب نکرده است. به این ترتیب مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ می‌باشد.^۱ بر طبق مواد کنوانسیون دولت‌های عضو کنوانسیون با توجه به این که طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد، شالوده آزادی، عدالت و صلح جهانی همانا به رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیرقابل انکار همه اعضای خانواده بشری است، با در نظر داشتن این که مردم ملل متحد اعتقاد خود به حقوق اساسی بشر و منزلت و ارزش انسان را در منشور سازمان ملل متحد مورد تأیید مجدد قرار داده و عزم راسخ دارند رشد اجتماعی و سطح زندگی بهتر توأم با آزادیهای گسترده‌تر را ترویج نمایند، سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر اعلام و موافقت نموده است که همگان، بدون هر گونه تبعیض از نظر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و دیگر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا سایر خصوصیات، سزاوار کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در اسناد مذکور هستند و همچنین اعلام نموده است که دوران کودکی مستلزم مراقبت و مساعدت ویژه می‌باشد، با اعتقاد به این که خانواده، به عنوان گروه بنیادین جامعه و محیط طبیعی رشد و رفاه کلیه اعضای آن و به ویژه کودکان، باید از حمایت و مساعدت لازم برخوردار شود به نحوی که بتواند مسئولیت‌هایش را در جامعه کاملاً بر عهده گیرد، کودک برای رشد کامل و هماهنگ شخصیت خود باید در محیط خانوادگی، و در فضایی مملو از خوشبختی، محبت و تفاهم رشد یابد، کودک باید برای زندگی فردی در اجتماع آمادگی کامل پیدا کند و در سایه آرمان‌های اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد و به ویژه صلح، عزت، مدارا، آزادی، برابری و همبستگی بزرگ شود، ضرورت ارائه مراقبت ویژه برای کودک در اعلامیه حقوق کودک ژنو مورخ ۱۹۲۴ و در اعلامیه حقوق کودک م صوب مجمع عمومی در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ تصریح گردیده و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی (به ویژه مواد ۲۳ و ۲۴)، در میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (به ویژه ماده ۱۰) و در اساسنامه‌ها و اسناد سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده است، همانگونه که در اعلامیه حقوق کودک تصریح گردیده «کودک به دلیل عدم رشد کامل جسمی و ذهنی، قبل از تولد و نیز پس از آن نیازمند محافظت و مراقبت ویژه، از جمله حمایت حقوقی مناسب است. مفاد اعلامیه اصول اجتماعی و حقوقی مربوط به حمایت و رفاه کودکان با اشاره خاص به امر نگهداری توسط خانواده جایگزین، فرزندخواندگی ملی و بین‌المللی، مقررات سازمان ملل مبتنی بر حداقل ضوابط برای دادرسی ویژه کودکان (مقررات پکن)، و اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در شرایط اضطراری و مخاصمات مسلحانه، و با اذعان به این که در تمام کشورهای جهان کودکانی هستند که در شرایط فوق‌العاده دشوار زندگی میکنند و این گونه کودکان نیازمند توجه ویژه می‌باشند. دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۲ با «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون

^۱ «پیمان‌نامه حقوق کودک». وبگاه یونیسف

حقوق کودک» و با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسماً این کنوانسیون را پذیرفت؛ م. شروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا نباشد. از سال ۷۲ تا ۸۸ وزارت امور خارجه به نمایندگی از دولت امور مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون و وظیفه نظارت و تنظیم و ارسال گزارش ادواری آن را بر عهده داشت و از دی‌ماه ۱۳۸۸ با مصوبه دولت، مسئولیت این کنوانسیون به وزارت دادگستری واگذار شد. کمیته حقوق کودک ملل متحد نهادی برای بررسی پیشرفت کشورهای عضو در دستیابی به تحقق تعهدات ناشی از پیمان است که به موجب ماده ۴۳ کنوانسیون تأسیس شده و از ده کارشناس تشکیل می‌شود که از اتباع کشورهای عضو با توجه به پراکندگی جغرافیایی و نظام‌های حقوقی اصلی انتخاب می‌شوند. وظیفه اصلی این کمیته بررسی گزارش‌های رسیده از کشورهای عضو کنوانسیون، ارائه پیشنهادها یا توصیه‌های کلی بر اساس بررسی گزارش‌ها درخواست مشاوره و مساعدت فنی از صندوق کودکان ملل متحد، سازمان‌های تخصصی ملل متحد و دیگر نهادهای دارای صلاحیت است. گزارش کشورهای عضو به کمیته باید تا دو سال پس از تصویب یا الحاق و پس از آن هر پنج سال یکبار صورت پذیرد. کمیته نیز بایستی گزارش فعالیت‌های خود را هر دو سال یکبار به مجمع عمومی تسلیم کند.^۱

حقوق کودک از زمان تصویب کنوانسیون ملل متحد

حقوق کودکان در دهه‌های گذشته به یکی از موضوعات مهم مطالعاتی تبدیل شده که عمدتاً به دلیل تصویب کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد^۲ در سال ۱۹۸۹ است. از منظر بسیاری از افراد بدون در نظر گرفتن کنوانسیون مذکور به عنوان مرجع بحث حقوق کودکان، بررسی علمی در مورد حقوق کودکان تقریباً غیر قابل تصور است. گفتمان حقوق آکادمیک کودکان از زمان تصویب سازمان ملل متحد به برجسته کردن تصویر کودک به عنوان کودک شایسته پرداخته است. این تصویر از دوران کودکی، واکنشی در برابر تصویر کودک ناشایست می‌باشد که مشخصه آن این است که کودکان را به دلیل آسیب پذیری، مانند اشیایی که نیاز به محافظت دارند، در نظر می‌گیرند! وضعیت کودک ناشایست با عبارت «هنوز شخصیت ندارد»^۳ مشخص می‌شود (Verhellen, 2000): و یا کودکان «بزرگسالانی در انتظار» هستند (Matthews and Limb, 1998)، آنها فاقد صلاحیت‌های بزرگسال‌اند و در حال گذراندن وضعیت خود به صورت منفعل هستند. اندیشه و یا دیدگاه کودک به عنوان یک «کودک شایسته» نمایانگر دیدگاه رفاه در دوران کودکی است (Hemrica and Heyting, 2004). لذا، کودک ناشایست کودکی است که هیچ مسئولیتی بر عهده نخواهد گرفت (Such and Walker, 2005). به منظور محافظت از آسیب پذیری کودکان، در آغاز قرن بیستم در کشورهای مختلف غربی قوانینی وضع شد که دنیای جداگانه‌ای برای کودکان ایجاد کرد (Benporath, 2003; Takanishi, 1978) به نام «سرزمین جوانی» (Smith, 2007; Verhellen, 2000) یا دوران «مهلت قانونی» در بزرگسالی. (Zinnecker, 2000). دوران کودکی به عنوان دوره اجتماعی شدن یا آمادگی برای بزرگسالی یا رشد به سمت خودمختاری در نظر گرفته شد (Such and Walker, 2005). این مفهوم آموزشی را «جنبش حمایت از کودکان» بیان کرد که یک الگوی آموزشی جایگزین برای برخورد با کودکان ارائه داد. اندیشمندانی در حوزه جامعه‌شناسی نوین دوران کودکی، مانند فریمن (۱۹۹۸)؛ جیمز و همکاران (۲۰۰۲) و مایال (۲۰۰۰)، کودکان را

^۱ ماده ۴۴ پیمان‌نامه حقوق کودک، وب‌گاه صندوق کودکان ملل متحد

^۲ UNCRC

^۳ not-yet-being

به عنوان عوامل فعال و انسان های مستقل که در ساختن زندگی خود محق هستند در نظر می گیرد که انتقاداتی را به اندیشه های جنبش حمایت از کودک مطرح نمودند. از دیدگاه آنان کودک به عنوان یک «موجود» نمایانگر دیدگاه حقوقی در دوران کودکی است (Hemrica and Heating, 2004). بنابراین، مرحله مرکزی پارادایم حقوق کودکان، به رسمیت شناختن کودک به عنوان یک شخص مستقل، معنادار در موقعیت کنونی آن است که ایده «مهلت قانونی» را رد می کند و مخالفتی با دیدگاه عادی سازی همراه با درخواست برای لغو دنیای جداگانه برای کودکان بود و رد ایده مهلت قانونی تحت شعار رادیکال «کودکان را به جامعه بازگردانید» به شعار اصلی تبدیل شد (Verhellen, 1998b:486). با تصویب سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹، حقوق کودکان در مجامع بین المللی به رسمیت شناخته شد (Cohen et al., 1992; Federle, 1994; Hojat, 1993; Lee, 1999). اندیشه کودک شایسته با حق مشارکت نیز در سیاست گذاری ریشه دوانید به نحوی که (Melton, 2005a) سازمان ملل متحد آن را به عنوان یک سیاست راهبردی و ابزار تحول آفرین توصیف می کند. کنوانسیون چارچوبی برای بازنگری در سیاست های مراقبت از کودکان در جهت تضمین کرامت آنها ارائه نمود (Melton, 2005b; Miljeteig-Olssen, 1990). برخی اندیشمندان این امر را به عنوان «نقطه عطفی در یک قرن مبارزه برای اصلاحات اجتماعی» توصیف می کنند (Jupp, 1990). از منظر برخی از آنها دو جنبه مهم سیاست سازمان ملل در قبال کودکان بسیار مهم است که اول، کشورهای عضو باید اقداماتی را برای ارائه خدمات کودک و تسهیلات مراقبت از کودک انجام دهند و دوم اینکه، کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که خدمات کودک و تسهیلات مراقبت از کودک استانداردهای خاصی (کیفیت مراقبت از کودک) را رعایت می کنند (Gran and Aliberti, 2003).

چالش های حقوق کودکان

اندیشه های و قواعدی که در فوق اشاره شد، چالش هایی در جوامع به وجود آورد که در ادامه به آن می پردازیم. با تحقیقاتی که در انگلستان در این خصوص صورت پذیرفت این نکته بروز پیدا کرد که ایجاد امکان برای کودکان برای مشارکت در سیاست گذاری می تواند به طور متناقضی منجر به کاهش فرصت برای کودکان شود (James and James, 2001) چرا که کودکان در موقعیت هایی که هنجارها را نقض می کنند، مسئول شناخته می شوند (Such and Walker, 2005) هر چند که مدارس، خانواده، محله، جنبش های جوانان و غیره همگی در کنترل اجتماعی و مبارزه با جرم و جنایت مسئولیت و نقش دارند اما این نکته حائز اهمیت است که قرار دادن خدمات بهتر در جوامع، ممکن است دسترسی بهتری ایجاد کند، اما بدون چشم اندازی گسترده از رابطه ارائه دهنده با کاربر و همچنین رابطه کودکان با بزرگسالان و هدفی که آموزش آن را دنبال می کند، لزوماً هیچ گونه توانمندی بیشتری را برای کودکان و والدین در آن جوامع تضمین نمی کند (Williams, 2004) در حقیقت کنوانسیون مذکور سازمان ملل متحد، مذاکره بین والدین و فرزندان (مذاکره بر فردیت کودکان و شایستگی های کلامی آنها) را به عنوان یک هنجار در فرزندپروری ترویج می نماید، که این مدل یک مدل سفید، غربی و طبقه متوسط است که بیشتر از بقیه برای گروه خاصی از کودکان مناسب است (Howe and Covell, 2003) و این اندیشه سبب، تغییر مسئولیت احقاق حقوق از دولت به فرد است (Such and Walker, 2005)، یعنی کودکان تا زمانی که به عنوان شهروندانی مسئولیت پذیر رفتار مناسبی داشته باشند، می توانند از حقوق شهروندی خود

بهره‌مند شوند. در معرض دید قرار دادن کودکان از این طریق، کنترل بر کودکان را افزایش منتج شد، که منجر به عدم تحمل بیشتر نسبت به آنها و به حاشیه راندن بیشتر آنها شد (Muncie, 2006).

دولت تنها زمانی در آموزش خانواده دخالت می‌کند که والدین از مسئولیت‌های خود سوء استفاده کنند. و زمانی که موقعیت کودکان در جامعه دستخوش تغییر گردد، روابط درون خانواده نیز تغییر می‌نماید، به گونه‌ای که فرزندان خود حقوقی مستقل مطالبه می‌نمایند که والدین وظیفه دارند آنها را برآورده کنند و دولت نیز مسئول حمایت از والدین است! از دغدغه‌های مهم محققان در زمینه حقوق کودکان، نحوه فرزندپروری است که منظر برخی اندیشمندان اغلب، روابط فی ما بین فرزند و کودک، دچار دوگانگی و تناقض منافع شده که به موجب آن حقوق کودکان در تنش با حقوق والدین قرار می‌گیرد (Cohen and Naimark, 1991; Howe, 2001; Huntington, 2006; Melton, 1996, 2005a; Roose and Bouverne-De Bie, 2008; Thomas and O'Kane, 1998; Triseliotis et al., 1993; Tomanović-Mihajlović, 2000; Westman, 1999; Wynne, 1997). یعنی حقوق والدین برای تربیت فرزندانشان از یک سو و حقوق فرزندان برای استقلال و تعیین سرنوشت از سوی دیگر. به عبارت دیگر حقوق کودکان مسئولیت والدین را تضعیف و به طبع آن رفاه کودکان را تهدید می‌کند (Melton, 1996 و Tang, 2003). پس والدین حقوقی دارند که آنها را قادر می‌سازد تا حقوق فرزندان خود را تحقق بخشند لذا، دولت باید از والدین در تحقق وظیفه والدینی حمایت کند (Howe, 2001). همانطور که پیش‌تر نیز بیان شد دولت زمانی حق مداخله در امور خانواده دارد که منافع کودک متزلزل گردد و در نه در دیگر مسائل. بنابراین می‌توان اینگونه برداشت کرد که اختیارات والدین از حقوق فرزندانشان ناشی می‌شود و حقوقی که والدین دارند، حقوق کارکردی است و آنها در خدمت حقوق کودکان هستند. (Howe, 2001; Melton, 1996; Westman, 1999). سازمان ملل سعی در حل این تناقض با راهکاری تحت عنوان «ظرفیت‌های در حال تکامل کودک» دارد و فرزند را مانند کالا به عنوان سرمایه‌گذاری می‌نگرد. البته محققان مختلف از تقسیم بندی حقوق کودک در مقابل حقوق والدین انتقاد می‌کنند، چرا که عوامل بافت اجتماعی مانند قدرت مالی و یا چه بسا فقر، اغلب نادیده گرفته می‌شوند چرا که استقلال کودک یعنی، فرد مستقل، مسئولی است که می‌تواند حقوق خود را به طور مستقل اجرا کند و پیامدهای اعمال خود را ارزیابی کند. این تعبیر از حقوق به کودکان در سیستم رفاهی آنها آسیب وارد می‌کند زیرا کودکان این استقلال را ندارند. (Huntington, 2006). به عقیده برخی از اندیشمندان، به رسمیت شناختن کودکان به عنوان صاحبان حقوق جدا از والدینشان، مستلزم بی‌اعتمادی ضمنی به مراقبان آنها و مشروعیت بخشیدن به مداخله متخصصان خارجی است (Pupavac, 2001) و چه بسا سبب ایجاد منافع متخاصم در تصمیم‌گیری شود (Burman, 1996; Cockburn, 2005). این افراد معتقدند تفکر حقوقی متمرکز بر استقلال فردی مانع از همکاری گروهی متفکرانه بین والدین، فرزندان و دولت برای رسیدن به راه حلی می‌شود که می‌تواند برای هر یک از طرفین مطلوب باشد (Huntington, 2006). به هر حال به نظر می‌رسد که بحث حق و حقوق، پیامدهای منفی احتمالی استقلال را تشدید می‌کند که این امر در تضاد بنیان خانوادگی است.

این موضوع قابل کتمان نیست که محققان حقوق کودکان عمدتاً در چارچوب‌های قالب بندی شده حقوقی دخیل بوده‌اند که برخی از آنان، آن را با عبارت «صنعت جهانی حقوق بشر» تعریف می‌کنند (Stammers, 1999) و حقوق کودکان نیز از این امر مستثنی نبوده و شاید بشود به عبارت «صنعت جهانی حقوق کودکان» بیشتر توجه کرد! چرا که حقوق کودکان با ادبیات وسیع حقوق بشر مرتبط است. ایجاد و تنظیم استاندارد از طریق سازمان ملل متحد تمرینی برای ایجاد اجماع بین‌المللی است (Jupp, 1990) و این سازمان یک چارچوب جهانی ایجاد نمود که احترام به کودکان را تبلیغ کند (Cohen et al., 1992). از طرفی بحث فرهنگ هر جامعه و دولت نیز

مطرح است و تدوین یک برنامه و سیاست گذاری برای تمام جوامع و اجرایی شدن آن بسیار حائز اهمیت است. مشارکت سازمان های غیردولتی، جوانان، تأسیس ملی مکانیسم های نظارت، نقش رسانه ها و ضعف کمیته نظارت بین المللی که توسط سازمان ملل متحد به وجود آمده است، یکی از جنبه های کلیدی در بحث نظارت، فراخوانی برای شاخص هایی برای اندازه گیری اجرای حقوق کودکان است (Breen, 2003; Cohen et al., 1992, 1996; Fernando, 2001; Oestreich, 1998; Therborn, 1996; Heersterman, 2005; Tang, 2003, media Hammarberg, 1997; Balton, 1990; Kilkelly, 2001). البته این نکته را نیز باید خاطر نشان کرد که با نظارت بر حقوق کودکان، حوزه های جدیدی کشف می شود که فراتر از جنبه های بقای زندگی کودکان است. تفکر بر سه گانه تنظیم استاندارد، اجرایی شدن و نظارت نشان می دهد که حقوق کودکان در صنعت جهانی حقوق بشر مورد بحث نیست. بلکه در نتیجه تصویبات سازمان ملل متحد، حقوق کودکان در تفکری اجماعی گرفتار شده است. به عقیده برخی محققین، این تحول دو پیامد مهم در بر دارد، اول اینکه، تفکری انحصاری پشت بحث حقوق کودکان در مجامع علمی در حال تبدیل شدن به یک «گفتمان تکنوکراتیک» است (Fernando, 2001) که دیگر به معنای حقوق کودکان نمی پردازد. و بیشتر بحث ها بر شکاف بین مفاد کنوانسیون و حقوق کودکان در عمل، متمرکز است. (Pupavac, 2001) دوم اینکه ارتباط نزدیک با «فنی سازی» حقوق کودکان، «متن زدایی» آن است. یک گفتمان متن زدایی شده، شرایط زندگی، زمینه های اجتماعی، اقتصادی و تاریخی را که کودکان در آن رشد می توانند بسیار متفاوت از هم، هم باشند (تمایز بین کودکان در سنین و مکانهای مختلف) موقعیت هایی هستند که حقوق کودکان در آن ها باید تحقق یابد، که در نظر گرفته نمی شود (Leonard, 2004).

حقوق کودکان در حکومت اسلامی امیرالمومنین امام علی (ع)

کودکان آسیب پذیرترین گروه جامعه انسانی، نخستین کسانی هستند که در معرض هجوم مستقیم انواع ناگواری ها، فشارها و مشکلات ناشی از زندگی بزرگ ترها قرار می گیرند و آن را تحمل می کنند. در آموزه های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و همگان از اعمال هرگونه خشونت و بی رحمی در حق آنان باز داشته شده اند. این در حالی است که پیش از اسلام، میان اعراب و دیگر اقوام، کودکان در وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی نیز بهره مند نبودند. کودکان دارای فطرتی پاک و خداجو هستند و این حق بر گردن والدین آنهاست که راه درست را به آنها آموزش داده و در جهت نیل به اهداف والای انسانی رهنمون شوند. رسول اکرم (ص) فرمود: «هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید و پرورش می یابد، مگر این که پدر و مادر او را به سوی یهودی گری یا مسیحی گری بکشانند.» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۸۱) و نیز آمده است که موسی به خدا عرض کرد: «پروردگارا! کدامیک از اعمال نزد تو برتر است؟ خطاب رسید: محبت به کودکان؛ چرا که من فطرت آنها را بر پایه اعتماد به یگانگی خود قرار دادم.» (امینی، ۱۳۷۲: ۳۸۱) امام زین العابدین (ع) در رساله الحقوق، که ابوحمزه ثمالی آن را روایت کرده، علاوه بر توجه به حقوق فرزندان، با عنوان «حق الولد»، تعدادی از این حقوق را با عنوان «حق الصغیر» برشمرده است؛ از جمله: تعلیم و تربیت کودک (تَنْفِیْهُ و تَعْلِیْمُهُ)، چشم پوشی از خطاهای او و مهربانی و مدارا کردن با او. ایشان در ادامه می فرمایند: حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و هرگونه که باشد چه نیک و چه بد، در دنیای گذرا به تو منسوب است و تو در آن چه به او سرپرستی داری مسئول هستی، در ادب نیکو و راهنمایی به سوی پروردگار و یاری او بر طاعت خداوند درباره تو و خودش. پس بر این کار پاداش میگیری اگر درست عمل کنی، و کیفر می بینی اگر نادرست

عمل‌نمایی؛ پس او را چنان تربیت کن که با اثری که بر او می‌گذاری در دنیا زیبایی بی‌آفرینی و با قیام شایسته به وظیفه‌ای که نسبت به او داری در نزد خداوند معذور باشی، که هیچ قوتی نیست مگر از خداوند. (حسینی جلالی، ۱۴۱۸).

امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرموده است: نام نیک برای خود انتخاب کنید، زیرا در روز قیامت شما را با همان نام می‌خوانند و گفته می‌شود ای فلان فرزند فلان برخیز و به سوی نور خود گام بردار و ای فلان فرزند فلان برخیز که نوری نداری. «اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَكُمْ فَإِنَّكُمْ تُدْعَوْنَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُمْ يَا فَلَانَ بْنِ فَلَانَ إِلَى نُورِكَ وَ قُمْ يَا فَلَانَ بْنِ فَلَانَ لِأَنْوَرِكَ»^۱ در روایت دیگری امام صادق (ع) از ام‌ایمن نقل می‌کند که گفته است: هنگامی که امام حسین (ع) از فاطمه زهرا (ع) متولد شدند، پیغمبر اکرم (ص) امر فرمودند: موی سر او را تراشیدند و به وزن آن نقره صدقه دادند آن‌گاه از طرف او عقیقه نمودند، سپس ام‌ایمن به او تهنیت عرض نمودند و او را در عباي رسول خدا پیچیدند. «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ فَحَلِقَ رَأْسَهُ وَ تَصَدَّقَ بِوِزْنِ شَعْرِهِ فِضَّةً وَ عَقَّ عَنْهُ ثُمَّ هَيَّأَتْهُ أُمُّ أَيْمَنَ وَ لَقَّتْهُ فِي بُرْدِ رَسُولِ اللَّهِ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۷). و در حدیث مفصلی محمد بن سنان از علی بن موسی الرضا (ع) نقل می‌کند که در جواب مسائلی که از آن حضرت سؤال شده، نوشته‌اند: علت این که پدر می‌تواند بدون اجازة فرزند در مال او تصرف نماید، اما فرزند نمی‌تواند، آن است که خداوند فرزند را به پدر هدیه نموده و می‌فرماید: به هر کس بخواهد دختر هدیه می‌کند و به هر کس بخواهد پسر و یا اگر بخواهد پسر و دختر هر دو را به آن‌ها می‌دهد.^۲ در ادامه آن حضرت می‌فرماید: فرزند منسوب به پدر است و به نام او خوانده می‌شود، زیرا در قرآن آمده است: فرزندان را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خداوند عادلانه‌تر است (شیخ صدوق، ۱۴۲۵).^۳ اسلام، حتی آموزش بازی‌ها و ورزش‌هایی مانند سوارکاری، شنا و تیراندازی به فرزندان را از وظایف والدین می‌داند. در این زمینه، رسول خدا (ص) می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر آن است که نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را به او بیاموزد». امام صادق (ع) می‌فرماید: «کودک هفت سال بازی می‌کند و هفت سال خواندن و نوشتن می‌آموزد و هفت سال (مقررات زندگی) حلال و حرام را یاد می‌گیرد». (کلینی، ۱۳۶۳) در هفت سال دوم کودک آمادگی لازم را برای فراگیری معلومات و آداب اسلامی پیدا می‌کند.

امیر عالم امکان در خصوص حقوق پدر و فرزند می‌فرماید: فرزند را بر پدر حقی است و پدر را نیز بر فرزند حقی. حق پدر بر فرزند این است، که فرزندش در همه حال، فرمانبردار باشد و مگر در معصیت خدای سبحان و حق فرزند بر پدر این است، که برای او نامی نیکو برگزیند و نیکو ادبش کند و قرآنش بیاموزد.^۴ امیر المؤمنین علی علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرموده است: «هرگاه نام پسری را محمد نهادید، او را گرمی دارید و در مجلس خود برای او جا بگشایید و برای او چهره ترش مکنید». (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷). در باب ولادت نوزاد، کسی در محضر امام علیه السلام به دیگری با این عبارت ولادت نوزادش

^۱ وسائل الشیعة

^۲ شوری، آیه ۴۹ ﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكُورَ﴾

^۳ ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^۳ شما پسر خوانده‌ها را به پدرانشان نسبت دهید که این نزد خدا به عدل و راستی نزدیکتر است و اگر پدرانشان را شناسید (باز فرزند و ارث‌بر شما نیستند بلکه) در دین برادران و یاران شما هستند، و در کار ناشایسته‌ای که به خطا کنید بر شما گناهی نیست لیکن آن کار زشتی که به عمد و با اراده قلبی می‌کنید بر آن گناه مؤاخذه می‌شوید، و (اگر از این هم پشیمان شوید و توبه کنید باز) خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

^۴ سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹ ﴿إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ وَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ﴾

را تبریک گفت: قدم این نوزاد یکه سوار مبارک باد. امام (ع) فرمود: لَا تَقُلْ ذَلِكَ، وَ لَكِنَّ قُلَّ شَكَرَتَ الْوَاهِبَ، وَ بُورِكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ، وَ بَلَغَ أَشُدَّهُ، وَ رَزِقَتْ بَرَّةٌ.^۱ چنین مگوی، بگوی بخشنده را سپاس گوی و آنچه بخشیده، بر تو مبارک باد. به سن رشد رسد و از نیکبهایش بهره مند گردد.

امام (ع) اندرز نامه ای سراسر مهر و عطف برای فرزند گرامیشان امام حسن مجتبی (ع) می نویسد که روابط عاطفی امام (ع) و فرزند دلبندها را بیان دارد و الگوی مناسب رفتاری پدران جامعه خواهند بود. ایشان می فرمایند: ای فرزند، هنگامی که دیدم به سن پیری رسیده ام و سستی و ناتوانی روی در فزونی دارد، به نوشتن این اندرز مبادرت ورزیدم و در آن خصلتهایی را آوردم، پیش از آنکه مرگ بر من شتاب آورد و نتوانم آنچه در دل دارم با تو بگویم. یا همان گونه که در جسم فتور و نقصان پدید می آید، در اندیشه ام نیز فتور و نقصان پدید آید. یا پیش از آنکه تو را اندرز دهم، هوای نفس بر تو غالب آید و این جهان تو را مفتون خویش گرداند. و تو چون اشتیری رمنده شوی که سر به فرمان نمی آورد و اندرز من در تو کارگر نیفتد. دل جوانان نوحاسته، چونان زمین ناکشته است که هر تخم در آن افکنند، بپذیردش و بپروردش. من نیز پیش از آنکه دلت سخت و اندرناپذیر شود و خردت به دیگر چیزها گراید، چیزی از ادب به تو می آموزم. تا به جد تمام، به کارپردازی و بهره خویش از آنچه اهل تجربت خواستار آن بوده اند و به محک خویش آزموده اند، حاصل کنی و دیگر نیازمند آن نشوی که خود، آزمون از سرگیری. در این رهگذر، از ادب به تو آن رسد که ما با تحمل رنج به دست آورده ایم و آن حقایق که برای ما تاریک بوده برای تو روشن گردد. ای فرزند، اگر چه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده ام، ولی در کارهاشان نگرسته ام و در سرگذشتشان اندیشیده ام و در آثارشان سیر کرده ام، تا آنجا که، گویی خود یکی از آنان شده ام. و به پایمردی آنچه از آنان به من رسیده، چنان است که پنداری از آغاز تا انجام با آنان زیسته ام و دریافته ام که در کارها آنچه صافی و عاری از شایبه است کدام است و آنچه کدر و شایبه آمیز است، کدام. چه کاری سودمند است و چه کاری زیان آور. پس برای تو از هر عمل، پاکیزه تر آن را برگزیدم و جمیل و پسندیده اش را اختیار کردم و آنچه را که مجهول و سبب سرگردانی تو شود، به یک سو نهادم. و چونان پدری شفیق که در کار فرزند خود می نگرد، در کار تو نگرستم و برای تو از ادب چیزها اندوختم که بیاموزی و به کار بندی. و تو هنوز در روزهای آغازین جوانی هستی و در عنفوان آن. هنوز نیتی پاک داری و نفسی دور از آلودگی.

بحث و نتیجه گیری

برداشت‌های مدرن از تربیت کودک و مرتبط با تکامل تدریجی فردی‌سازی در جوامع غربی، تأکید بر حقوق فردی کودکان با تلقی از کودکی به‌عنوان کودک مستقل، آن‌قدر که در ابتدا به نظر می‌رسد، راهگشا نیست. بنابراین، به نظر می‌رسد که تعریف فرزندپروری برحسب حقوق کودکان مبحثی بسیار گسترده است که تابع زمان و مکان و قواعد می‌باشد و همانطور که معصوم (ع) تربیت فرزند را در سه دوره تقسیم بندی نمودند، نشان از اهمیت حقوق کودکان دارد چرا که حقوق کودک تابع زمان و دوران تولد او متفاوت است. از سویی نقش والدین در تربیت فرزندان بسیار موثر است و جامعه ممکن است راه را به بیراهه تغییر دهد! نتیجه افزایش فردیت در جامعه، در رفتار فرزندان در خانواده نمایان می‌شود و باعث ایجاد روابط متضاد بین والدین و فرزندان خواهد شد. محافظت از کودکان با کنترل فرزندپروری، در تحلیل یافته‌های جدید، می‌تواند این پرسش را مطرح کند که آیا

^۱ سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۳۵۴

گفتمان حقوق کودک، شیوه‌ای جایگزین برای برخورد با کودکان است و می‌تواند به‌عنوان یک حرکت متضاد در برابر فرآیند آموزش تلقی شود؟ یا به جای ارائه گسست از پارادایم‌های «قدیمی» تربیت کودک، گفتمان حقوق کودکان ادامه یا حتی رادیکال‌سازی این پارادایم قدیمی ادامه یابد، آیا تحول در مفهوم‌سازی دوران کودکی نسبتاً منصفانه است؟ به هر تقدیر بشریت همواره به منظور رسیدن به کمال در صدد وضع قواعد و قوانین جدید است. امروزه جامعه جهانی با دیدی وسیع مرزهای سیاسی را بر داشته و حقوقی برای افراد متصور است تا در هر کجا و در هر زمان به اهداف والای بشری دست پیدا کنند. حتی اگر افراد از بلایای طبیعی و غیر طبیعی، جنگ‌های خانمان سوز و بیماری‌ها و ... دچار آسیب شده باشند باز هم از حقوق بشری خود در جامعه بین‌المللی در هر کجای دنیا بی بهره نخواهند بود. برابری یکی از ستون‌های اصلی دموکراسی جامعه می‌باشد. نا برابری و بی عدالتی همواره در همه جوامع وجود دارد و متأسفانه در برخی قوانین نیز به چشم می‌خورد. هیچ کس نمی‌تواند مدعی شود کشوری وجود دارد که به تمام مارد حقوق افراد احترام می‌گذارد با این حال آنچه که در این رساله به وضوح مشخص گردیده است وجود حقوق بشر قبل از معاهدات و قوانین حقوق بشر بوده است. آموزه‌های علوی همواره سعی بر حفظ حقوق اقشار آسیب دیده جامعه داشته است. اقشار آسیب پذیر همواره در بیانات و فرمایشات مولای متقیان جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند که امام علی (ع) نسبت به حفظ حقوق این گروه از اعضای جامعه دائماً به کارگزاران خود سفارش می‌فرمودند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت انسان‌ها به وسیله آموزه‌های اسلامی علوی در تاریکی‌های جهل و گمراهی هدایت یافتند و به کمک آنها به اوج ترقی رسیدند و در پرتو شعاع خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و آموزه‌های آنان صبح سعادت انسانها درخشیدن گرفت و تاریکی‌ها پایان یافت.

جدول ۱. مقایسه تطبیقی نقاط اشتراک و افتراق حقوق کودکان از نگاه دولت علوی و قوانین بین‌المللی

حکومت علوی از سال ۳۵ ه.ق - ۴۹ ه.ق (۶۵۶ م - ۶۷۰ م)	جامعه بین‌المللی از سال ۱۹۴۵ م (۱۳۶۴ ه.ق) تا کنون	نقاط اشتراک	نقاط افتراق
حفظ حقوق فرزند از سوی والدین و حقوق والدین از سوی فرزند بارها از سوی امام (ع) سفارش شده است. احترام به حقوق نوزاد و حفظ حرمت‌های آنان از سوی امام (ع) بارها تأکید شده و نحوه برخورد امام (ع) با فرزندان‌شان در دوران کودکی و نوع ادبیات گفتاری ایشان در کتب تاریخی گواه بر این مدعا است.	کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ م و اجرا شده در سال ۱۹۹۰ م	در مکتب اسلامی - علوی و همچنین کنوانسیون حقوق کودک، بیشترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک بر دوش والدین نهاده شده است.	بر اساس آمار سازمان جهانی (ILO)، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان محروم از کودکی می‌شوند. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آنها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام‌وقت هستند. ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. قاچاق انسان از راه‌های عمده وارد کردن این کودکان به بازار است. به جز کارگری برده‌وار، روسپی‌گری و فروش اعضای بدن کودکان، از دیگر

سرنوشت‌های کودکان	عزوجل برای او ثواب می
قاجاق است. کشورهای به	نویسد و هر کسی که او را
اصطلاح اسلامی دور از	شاد کند ، خداوند روز
تفکرات علوی از کودکان به	قیامت او را شاد خواهد
عنوان سپر و ابزار و سرباز	کرد و هر کس قرآن به او
جنگی استفاده نموده و آنان	بیاموزد ، پدر ومادرش
از حقوق خود محروم نموده	دعوت می شوند و دو
اند.	لباس بر آنان پوشیده می
	شود که از نور آنها ، چهره
	های بهشتیان نورانی می
	گردد . [کافی ، ج ۶، ص
	۴۹، ح ۱]

منابع

- قرآن کریم
 آقائی، بهمن (۱۳۷۶)، فرهنگ حقوق بشر، تهران، کتابخانه گنج دانش
 ابی ابن الحدید (۱۳۸۷ ه.ق). شرح نهج البلاغه. حقه محمد ابو الفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 اسلامی، نسرین (۱۳۹۱) ضرورت حمایت از حقوق اقشار آسیب پذیر در پرتو حقوق بنیادین بشر، دانشگاه پیام نور استان تهران - مرکز پیام نور تهران - دانشکده علوم انسانی .
 امینی، ابراهیم (۱۳۷۲) آیین تربیت، نشر اسلامی، تهران ایران
 پوراصغر سنگاچین، فرزاد (۱۳۹۳) اهداف توسعه هزاره، منبع: کار و جامعه بهمن ، شماره ۱۷۷، صص ۳۳-۳۶
 پوپل، محمود (۱۳۹۹)، مسئولیت کیفی اطفال و نوجوانان (مطابق کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران)، مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۳، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰ مهر ۱۳۹۹ صفحه ۳۱۸-۳۲۹
 جعفری، علی اکبر (۱۳۹۴) حقوق بشر در حکومت شیعی پیشگام حقوق بشر بین الملل، نشریه جستارهای سیاسی معاصر: بهار دوره ۶، شماره ۱ از صفحه ۱ تا صفحه ۱۷.
 حسینی جلالی، محمدرضا، (۱۴۱۸)، علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ج ۱، رساله الحقوق، جهاد الامام السجاد زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، (قم)
 سلطانمرادی محمد، هابیلی مریم، (۱۳۹۰) حقوق بشر در تهج البلاغه، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال ۲، شماره ۵، صص ۹-۴۴
 شیخ صدوق (ابن بابویه، محمد بن علی (ع)) (۱۴۲۵ ه.ق) علل الشرایع و الاحکام. المكتبة الحیدریه، قم ایران
 ضیافتی صباغ زهرا، صادقی زیازی حاتم، مصفا نسرین، حیدری بهاره، (۱۳۹۴). بررسی حقوقی نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در پرتو دکترین امنیت انسانی. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه پیام نور - دانشکده پیام نور مرکز - دانشکده علوم انسانی
 قریشی، سید مهدی، صالحی، سید مهدی، فرامرزی، فاطمه (۱۳۹۱) جایگاه حقوق بشر در اسلام، همایش ملی حقوق بین الملل در آیین علم روز، جهاد دانشگاهی واحد استان آذربایجان غربی زمان: دوره ۱ صص ۱-۸
 کریمی فرشته، جلالی کندی سهیلا، اعلائی رحمانی فاطمه، (۱۳۹۲). رفتار حمایتی از اقشار آسیب پذیر از منظر قرآن. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه الزهراء - دانشکده الهیات
 کلینی (محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، اصول کافی، اسوه - سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران
 مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (علامه مجلسی)، (۱۳۸۶) بحار الانوار، نشر دارالکتب الاسلامیه

میراحسنی، منیرالسادات (۱۳۸۸)، نگاهی به ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد، *مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی*، شماره های ۹۳ و ۹۴، مرداد و شهریور، صفحات ۱۱۹
 نظرزاده زهرا، ولوی علی محمد، راغفر حسین، (۱۳۹۲). مدیریت افشار آسیب پذیر اقتصادی در مدینه عصر نبوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه الزهراء - دانشکده ادبیات، زبانهای خارجی و تاریخ
 نوری طبرسی میرزا حسین، (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل، ج ۱، انتشارات موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث

References

- Balton, D.A. (1990) 'the Convention on the Rights of the Child: Prospects for International Enforcement', *Human Rights Quarterly* 12(1): 120-9.
- Benporath, S.R. (2003) 'Autonomy and Vulnerability: On Just Relations between Adults and Children', *Journal of Philosophy of Education* 37(1): 127-45.
- Breen, C. (2003) 'The Role of NGOs in the Formulation of and Compliance with the Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on Involvement of Children in Armed Conflict', *Human Rights Quarterly* 25(2): 453-81.
- Burman, E. (1996) 'Local, Global or Globalized? Child Development and International Child Rights Legislation', *Childhood* 3(1): 45-66.
- Cockburn, T. (2005) 'Children and the Feminist Ethic of Care', *Childhood* 12(1): 71-89.
- Cohen, C.P. (1990) 'The Role of Nongovernmental Organizations in the Drafting of the Convention on the Rights of the Child', *Human Rights Quarterly* 12(1): 137-47.
- Cohen, C.P. and H. Naimark (1991) 'United-Nations Convention on the Rights of the Child - Individual Rights Concepts and Their Significance for Social-Scientists', *American Psychologist* 46(1): 60-5.
- Gran, B. and D. Aliberti (2003) 'The Office of the Children's Ombudsperson: Children's Rights and Social-Policy Innovation', *International Journal of the Sociology of Law* 31(2): 89-106.
- Hammarberg, T. (1997) 'Children, the UN Convention and the Media', *International Journal of Children's Rights* 5(2): 243-61.
- Hemrica, J. and F. Heyting (2004) 'Tacit Notions of Childhood: An Analysis of Discourse about Child Participation in Decision-Making Regarding Arrangements in the Case of Parental Divorce', *Childhood* 11(4): 449-68
- Heersternan, W. (2005) 'An Assessment of the Impact of Youth Submissions to the United Nations Committee on the Rights of the Child', *International Journal of Children's Rights* 13(3): 351-78.
- Hojat, M. (1993) 'the World Declaration of the Rights of the Child: Anticipated Challenges', *Psychological Reports* 72(3): 1011-22
- Howe, R.B. (2001) 'Do Parents have Fundamental Rights?' *Journal of Canadian Studies/Revue d'Etudes Canadiennes* 36(3): 61-78.
- Howe, R.B. and K. Covell (2003) 'Child Poverty in Canada and the Rights of the Child', *Human Rights Quarterly* 25(4): 1067-87.
- Huntington, C. (2006) 'Rights Myopia in Child Welfare', *UCLA Law Review* 53(3): 637-99.
- Federle, K.H. (1994) 'Rights Flow Downhill', *International Journal of Children's Rights* 2(4): 343-68.
- Fernando, J.L. (2001) 'Children's Rights: Beyond the Impasse', *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 575: 8-24.
- Freeman, M. (1998) 'The Sociology of Childhood and Children's Rights', *The International Journal of Children's Rights* 6(4): 433-44.
- James, A.L. and A. James (2001) 'Tightening the Net: Children, Community, and Control', *British Journal of Sociology* 52(2): 211-28.
- James, A., C. Jenks and A. Prout (2002) *Theorizing Childhood*. Cambridge: Polity Press.
- Jupp, M. (1990) 'The UN Convention on the Rights of the Child: An Opportunity for Advocates', *Human Rights Quarterly* 12(1): 130-6.
- Kilkelly, U. (2001) 'The Best of Both Worlds for Children's Rights? Interpreting the European Convention on Human Rights in the Light of the UN Convention on the Rights of the Child', *Human Rights Quarterly* 23(2): 308-26.
- Lee, N. (1999) 'The Challenge of Childhood: Distributions of Childhood's Ambiguity in Adult Institutions', *Childhood* 6(4): 455-74
- Leonard, M. (2004) 'Children's Views on Children's Right to Work: Reflections from Belfast', *Childhood* 11(1): 45-61.

- Matthews, H. and M. Limb (1998) 'The Right to Say: The Development of Youth Councils/ Forums within the UK', *Area* 30(1): 66–78.
- Melton, G.B. (2005a) 'Building Humane Communities Respectful of Children: The Significance of the Convention on the Rights of the Child', *American Psychologist* 60(8): 918–26.
- Melton, G.B. (2005b) 'Treating Children like People: A Framework for Research and Advocacy', *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology* 34(4): 646–57.
- Miljeteig-Olssen, P. (1990) 'Advocacy of Children's Rights: The Convention as More than a Legal Document', *Human Rights Quarterly* 12(1): 148–55.
- Muncie, J. (2006) 'Governing Young People: Coherence and Contradiction in Contemporary Youth Justice', *Critical Social Policy* 26(4): 770–93.
- Pupavac, V. (2001) 'Misanthropy without Borders: The International Children's Rights Regime', *Disasters* 25(2): 95–112.
- Roose, R. and M. Bouverne-De Bie (2008) 'Children's Rights: A Challenge for Social Work', *International Social Work* 51(1): 37–46.
- Smith, A.B. (2007) 'Children and Young People's Participation Rights in Education', *International Journal of Children's Rights* 15(1): 147–64.
- Stammers, N. (1999) 'Social Movements and the Social Construction of Human Rights', *Human Rights Quarterly* 21(4): 980–1008
- Such, E. and R. Walker (2005) 'Young Citizens or Policy Objects? Children in the "Rights and Responsibilities" Debate', *Journal of Social Policy* 34: 39–57.
- Takanishi, R. (1978) 'Childhood as a Social Issue: Historical Roots of Contemporary Child Advocacy Movements', *Journal of Social Issues* 34(2): 8–28.
- Tang, K.L. (2003) 'Implementing the United Nations Convention on the Rights of the Child: The Canadian Experience', *International Social Work* 46(3): 277–88.
- Tomanović-Mihajlović, S. (2000) 'Young People's Participation within the Family: Parent's Accounts', *International Journal of Children's Rights* 8(2): 151–67.
- Triseliotis, J., M. Borland, M. Hill and L. Lambert (1993) 'The Rights and Responsibilities of Adolescents in Need or in Trouble', *International Journal of Children's Rights* 1(3–4): 315–30.
- Verhellen, E. (1998a) 'Children's Rights: Education and Academic Responsibilities', in P.D. Jaffé (ed.) *Challenging Mentalities: Implementing the United Nations Convention on the Rights of the Child/Défier les Mentalités. La mise en oeuvre de la Convention des Nations Unies relative aux droits de l'enfant*, Ghent Papers on Children's Rights No. 4. Ghent: Children's Rights Centre, University of Ghent.
- Verhellen, E. (1998b) *Jeugdbeschermingsrecht*. Ghent: Mys & Breesch.
- Verhellen, E. (2000) *Convention on the Rights of the Child. Background, Motivation, Strategies, Main Themes*. Leuven and Apeldoorn: Garant Publishers.
- Wynne, E.E. (1997) 'Children's Rights and the Biological Bias in Biological Parent Versus Third-Party Custody Disputes', *Child Psychiatry and Human Development* 27(3): 179–91.
- Williams, F. (2004) 'What Matters is Who Works: Why Every Child Matters to New Labour: Commentary on the DfES Green Paper Every Child Matters', *Critical Social Policy* 24(3): 406–27.
- Zinnecker, J. (2000) 'Childhood and Adolescence as Pedagogic Moratoria', *Zeitschrift Fur Padagogik* 46(2): 36–68